

رسول صلی الله علیه وسلم در خواب دیدم که ماه تمام از جانب نیرب طلوع کرد
و در کنار من در آمد خواب دیدم در این زمان که پیشتر چون آمدن رسول صلی الله
علیه وسلم دیدم که گفت ما را نشکری پیش آمد که طاقت معاومت
آن نداریم در آن شهر مردان می دیدم بر بسیاریان ابلق نشسته و
و جیل و سلاح بسیار مشاهده می افشاد چون اسلام آوردیم و رسول
صلی الله علیه وسلم مرا ترغیب کرد در نشکر اسلام نظر کردم دیدم که
بر آن استعداده و کثرت که اول دیده بودم نبود و گفتم که آن
اعداد الهی بود از آن جمله ان الله خلق خلقه که در غنیمت و خندق
که احباب خود خندق می کردند سنگی سخت پیش آمد که از سنگین
آن عاقلانه تر سلمان رضی الله عنه رسول صلی الله علیه وسلم از آن
خبر کرد رسول صلی الله علیه وسلم بخندق فرود آمد و سلمان نیز همراه بود
و بعضی اصحاب در کنار ایستاده بودند رسول صلی الله علیه وسلم پیشتر را
از سلمان گرفت و بر آن سنگ زد پاره شد و از آن برقی جیست
محمد مدینه را روشن گردانید رسول صلی الله علیه وسلم بگفت که
و همه اهل اسلام بگفتند تفرقه و کفر و مروجی دیگر جیست و رسول صلی
الله علیه وسلم بگفت

رسول صلی الله علیه وسلم بگفت بگو بوقت بگو بگفتند و در ضربت سیم سیمین
حال شد سلمان گفت یا رسول الله بگو و ما در من فدای تو باد این صفت
که دیدیم که سرگشتگی این ندیده ایم رسول صلی الله علیه وسلم بفرموده نظر کرد
بر کسی که شما دیدید اینچ سلمان دیگر گفت ندیدی یا رسول الله فرمود که
در ضربت اول برقی جیست و در روشنی آن کوشکهای حیره را از ارض
کتری دیدیم چون ایناب کلاب و جبریل را خبر کرد که اامت تو بر آن است
خواهند یافت و در ضربت دوم برقی جیست و در روشنی آن کوشکهای
سرخ در زمین روم چون ایناب کلاب مشاهده کردم جبریل مرا خبر داد
که اامت تو برین ملک غالب خواهند آمد و در ضربت سیم بر جیست
چنانکه دیدند و در روشنی آن کوشکهای صغیر را دیدم و جبریل
خبر داد که اامت ترا نسخ آن بلاد دست خواهد داد و اقدی
میگوید که رسول صلی الله علیه وسلم کوشک سفید کسری را اصف
کرد سلمان گفت و الله که صفت آن همین است که میگوئی مگر ای
میدانم که تو رسول خدا ای رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که آن
شام نسخ شود و هر قل یا قضا می ملک خود را برد و بر تمام عالم شود

علیه وسلم بگفت